



نگاهی به جایگاه سادات رضوی در مشهد در دوره صفویه

ابوالفضل حسن آبادی¹

چکیده

حکومت صفویه تأثیر زیادی از لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر جامعه ایران آن زمان نهاد. یکی از این پیامدها قدرت گیری طبقات مذهبی از جمله روحانیون و سادات به عنوان یکی از ابزارهای مشروعیت دادن حکومت است که در مقاطع مختلف زمانی با شدت وضعفهایی همراه بود.

بررسی جامعه سادات رضوی در این دوره از آن رو اهمیت دارد که ظاهر شدن ساداتی مانند سادات اسکویی در عرصه فعالیت های سیاسی، اجتماعی به صورت موقتی و گذرا بوده است اما سادات رضوی مشهد که به علت انتساب به امام رضا(ع) و موقعیت مذهبی از جایگاه اجتماعی برخوردار بودند توانستند با برخورداری از موقعیت اجتماعی و استفاده از ارتباطات خویشاوندی و سیاسی خود با دربار صفویه طی یک قرن نفوذ و سیطره ای در تاریخ مشهد به دست آورده و بسیاری از مناصب و پستهای مهم را در اختیار بگیرند که میان جامعه سادات آن زمان منحصر به فرد می باشد. مهیا بودن زمینه های گوناگون حضور این سادات در جامعه مشهد از لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی؛ این امکان را برای آنان فراهم ساخته بود تا با استفاده از کلیه امکانات، ضمن انسجام پیوندهای داخلی خویشاوندی به عنوان نمونه ای موفق از حضور یک جامعه مذهبی در عرصه های مختلف محسوب گردند و ماندگاری آنان در طی قرنهای در تاریخ مشهد دلیلی بر این مدعا می باشد.

کلیدواژه های موضوعی: سادات رضوی، دوره صفویه

مقدمه

کلمه سادات جمع کلمه سید به معنی آقا، سرور و پیشوا که در ایران به فرزندان حضرت علی و فاطمه زهرا سلام الله اطلاق می گردد و به شاخه های متعددی مانند سادات حسنی، حسینی، موسوی تقسیم می شوند. این گروه در ایران به علت اتصال به خاندان نبوت از موقعیت اجتماعی و نفوذ معنوی برخوردار بودند² و تا قرن دهم که شیعه در ایران رسمیت یافت به عنوان یک طبقه مجزا از جامعه زمان خود با داشتن نقیب³ ارتباطات حکومتی نیز داشته و مورد توجه حکام و پادشاهان عصر بوده اند.⁴

¹ دانشجوی دوره دکتری تاریخ و سرپرست گروه اسناد سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد استان قدس رضوی
² احادیث فراوانی در مورد لزوم تکریم سادات نقل شده و حتی در قرآن سوره فاطر آیه 29، احزاب آیه 23، شوری آیه 22 نیز بر ضرورت دوستی سادات تأکید شده است. آیه قل "لا استلکم علیه اجراً الا لملوده ذی القربی" سهم سادات در احکام زکات، خمس و صدقه (باقربان موحد، 1379) شفاعت برای دوستداران اهل بیت، وجوب مهر ورزیدن به ذریه حضرت زهرا(س) و تکریم سادات (امامت کاشانی، 1343) سرانجام عدم دوستی به سادات و روگردانی از آنها (یانپور، 1380) از مواردی که در مورد تکریم سادات ذکر شده است که حتی برخی از این عقاید تا زمان حال باقی مانده است.
³ نقیب به معنی سالار، مهتر و پیشوا و کسی که به حال گروه اشراف داشته باشد. این منصب توسط مستعین خلیفه عباسی
⁴ (248 - 252) به وجود آمد. علی اصغر فقیهی، تاریخ جامعه قم، انتشارات اسماعیلیان، قم، ج 1، 9 - ص. انتخاب نقباء توسط حکام



با روی کار آمدن صفویه (907 - 1148) و ایجاد حکومت مذهبی مبتنی بر تشیع سادات به عنوان یکی از نمادهای حکومت دینی مورد توجه قرار گرفتند. شاهان صفوی برای تداوم حکومت نیازمند مشروعیت بخشیدن به سلطنت خود بودند و روحانیون و سادات یکی از مهمترین ارکان این هدف به شمار می آمدند که در قالب در اختیار گرفتن مناصب مانند صدر عامه، خاصه، شیخ الاسلام⁵ و ملاباشی⁶ نمایان شد. در این مقاله تلاش می شود ضمن بررسی موضوع قدرت گیری سادات رضوی در دوره صفویه به جوانب گوناگون این واقعه نیز پرداخته شود و موارد ذیل تبیین و تشریح گردد:

- ارتباط بین پیشینه تاریخی با قدرت گیری سادات رضوی
- ارتباط بین جایگاه مذهبی با قدرت گیری سادات رضوی
- ارتباط بین جایگاه سیاسی با قدرت گیری سادات رضوی
- ارتباط بین تمکن مالی با قدرت گیری سادات رضوی
- ارتباط بین آستان قدس با قدرت گیری سادات رضوی

ارتباط بین پیشینه تاریخی با قدرت گیری سادات رضوی

سادات رضوی در ایران منتسب به موسی المبرقع (215 - 296) فرزند دوم امام جواد (195 - 220) می باشند که در شهرهای مشهد، قم، شاهرود، شیراز، همدان و یزد پراکنده هستند. موسی المبرقع در سال 259ق از کوفه به قم آمده و در این شهر سکنی گزید.⁷ «اول کس از سادات رضوی به قم آمد ابو جعفر

خود دلیل محکمی بر ارتباط حکومت آنها بوده و اختیارات خاصی از امراء در داخل گروه سادات مانند قضاوت، بر عهده داشته اند.

⁴ چنگیز خان، از سادات به عنوان فرزندانی علی بن ابیطالب نام برده و آنها در کنار گروههای مورد احترام مانند پزشکان و دانشمندان قرار داده است. (پی نی رشیدو، 1368، ص 292). غازان خان نیز به سادات توجه زیادی داشت و در شهرهای معتبری برای آنها دارالسیاده ساخت. (فضل الله همدانی، 1358ق)

⁵ شیخ السلام از مناصب مذهبی دوره صفویه بود که مسئول امور مذهبی در شهر بود. (برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به میرزا سمیعا، 1368، ص 74)

⁶ منصب ملاباشی در مان شاه سلطان حسین صفوی بوجود آمد و از قدرت زیادی در دربار برخوردار گردید. (میرزا سمیعا، 1368، ص 72)

⁷ قول دیگری نیز وجود دارد که قایل به ماندن موسی المبرقع در بغداد و برخی نیز در کوفه هستند. آیت الله مرعشی به ماندن وی در بغداد تأکید دارد و گروهی از سادات بنوخشاب در بغداد هستند که نسل خود را به محمد بن موسی المبرقع می رسانند. (کیلانی، 1409 ق، ص 75). البته بسیاری از ناقلان محمد را بلا عقب می دانند. (ابن طباطبا علوی اصفهانی، 1372، ص 48؛ عبدالجلیل قزوینی، 1331، ص 332؛ شیخ بهایی در کشکول، ص 194) قایل به ماندن وی در کوفه و آمدن پسرش محمد بن موسی به قم هستند...



موسی بن محمد بن علی است که به سال 259 هجری قمری آمد و به قم مقام کرد و پیوسته برقع به روی گذاشتی»⁸.

آنان توانستند با زهد و پرهیزگاری و جلب نظر مردم و حکام از جایگاه خوبی در میان مردم برخوردار گردند و حتی نقابت سادات را در قم در اختیار گیرند. (خلخال) اولین کسانی که برآمدن آنها به مشهد تصریح شده، فرزندان ابو عبدالله احمد هستند که ذکری از علت آمدن و سرانجام آنها در دست نیست اما سابقه ورود سادات به مشهد که ثبت شده و در اختیار می باشد به قرن نهم برمی گردد. قدرت گیری تیموریان در منطقه و تسامح مذهبی آنان احتمالاً باعث جذب سادات رضوی شده است. اولین فرد شمس الدین محمد رضوی است که بعد از 16 نسل به امام رضا (ع) می رسد و در زمان شاهرخ (850 - 857) به مشهد آمده و به تدریس در شهر مشغول شده است. پسر وی غیاث الدین در زمره نقبا سادات به شمار می آمد.⁹

از افراد دیگر خاندان سادات رضوی که در قرن نهم به مشهد آمدند رضی الدین محمد بن علی است که در زمان سلطان محمد بایقراء (873 - 911) به مشهد آمد و به شغل تدریس پرداخت.¹⁰ پسرش میرزا محسن رضوی (931) در زمره بزرگان و علماء شهر محسوب می شد¹¹ و به همراه پسرش میرزا مهدی رضوی به قم برگشت و فقط برادر میرزا محسن در مشهد باقی مانده و نسل وی تاکنون در مشهد می باشند. بررسی پیشینه تاریخی سادات رضوی نشان می دهد که آنان نسبت به سادات حسینی¹² و سادات موسوی¹³ دیرتر وارد مشهد شده اند به نحوی که برخی مشاغل مانند نقابت در اختیار این سادات بوده است اما بعد از ورود سادات رضوی به مشهد توانستند خیلی زود در مراکز اصلی قدرت حضور یابند ارتباط بین جایگاه مذهبی با قدرت گیری سادات رضوی

ساختار سیاسی حکومت صفوی چنان با آمیزه های دین آمیخته بود که مذهب اهمیتی فراتر نسبت به گذشته یافت. توجه به مدارس دینی، آموزه های مذهبی مانند نماز جمعه، قدرت یافتن مناصب مذهبی مانند صدور و شیخ الاسلام، اهمیت دینی و سیاسی آن را آشکار می سازد و سادات رضوی در این زمینه از وضعیت خوبی برخوردار بودند.

⁸ محمد بن موسی (372) اولین کسی بود که نقابت سادات علویه، حسنیه، حسینیه، رضویه را بر عهده داشت. (قمی، 1361، ص 215)

⁹ غیاث الدین بن همام الدین حسینی معروف به خواندمیر (خواندمیر، 1353، ج 4، ص 223)

¹⁰ میرزا محسن با ابی جمهور احسائی ارتباط داشت و مباحثاتی در سال 878 در منزل وی انجام داد. (جعفریان، 1375، ص 776).

¹¹ مؤلف خلاصه التواریخ (قمی، 1359) اشعاری را از وی نقل کرده است.

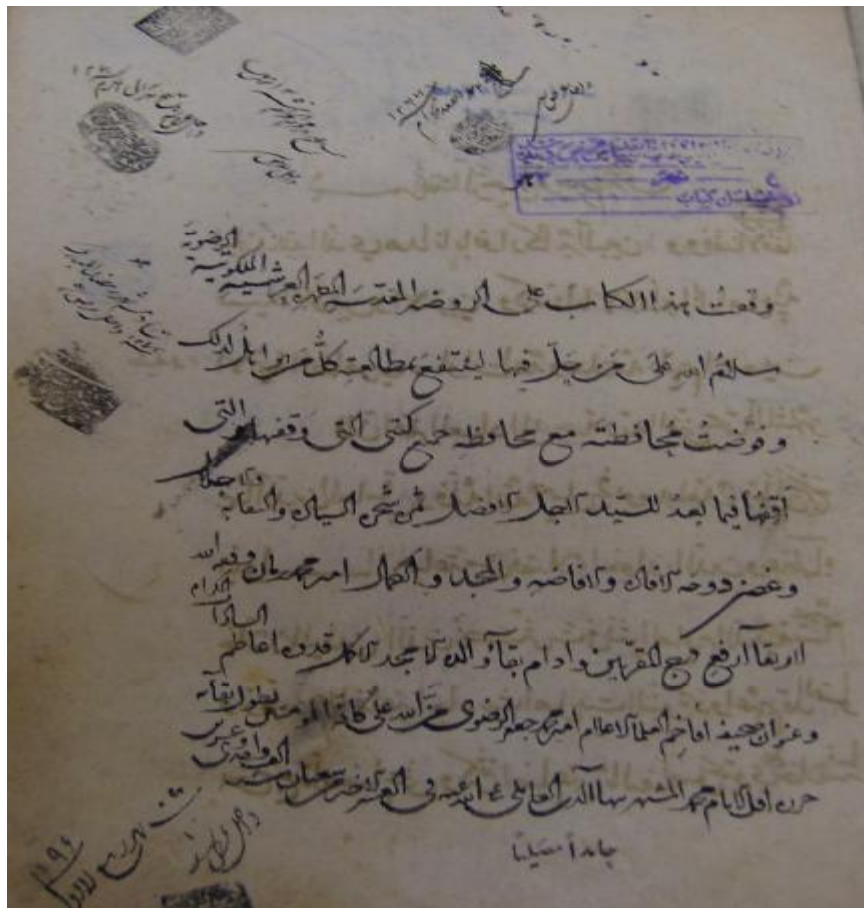
¹² برای اطلاع بیشتر در مورد سادات حسینی نگاه کنید به (حسن آبادی، 1385، ص 113)

¹³ برای اطلاع بیشتر در مورد سادات موسوی نگاه کنید به (سیدی، 1380، ص 33-38)



از علمای مورد توجه سادات رضوی در این دوره می‌توان به محمدجعفر رضوی اشاره نمود که به لحاظ پرهیزگاری مورد توجه همگان بوده و منصب مدرسی آستان قدس را از شاه عباس دریافت نمود (منجم، 1366). وی از پایه علمی اجتهاد برخوردار بوده و املاکی را وقف فرزندانش نمود (مدرس رضوی، 1355). شیخ بهایی در ظهر کتاب مشرق الشمسین وی را به بزرگی ستوده و شیخ عباس قمی (1372) در منتهی الامال از او به نیکی یاد می‌کند

(سند شماره 1)

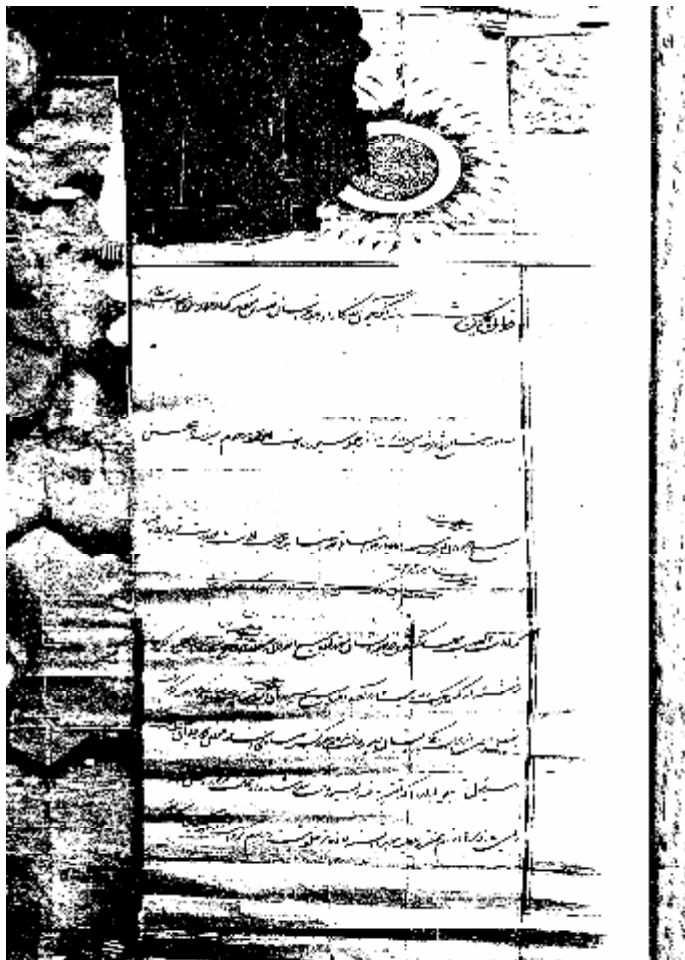


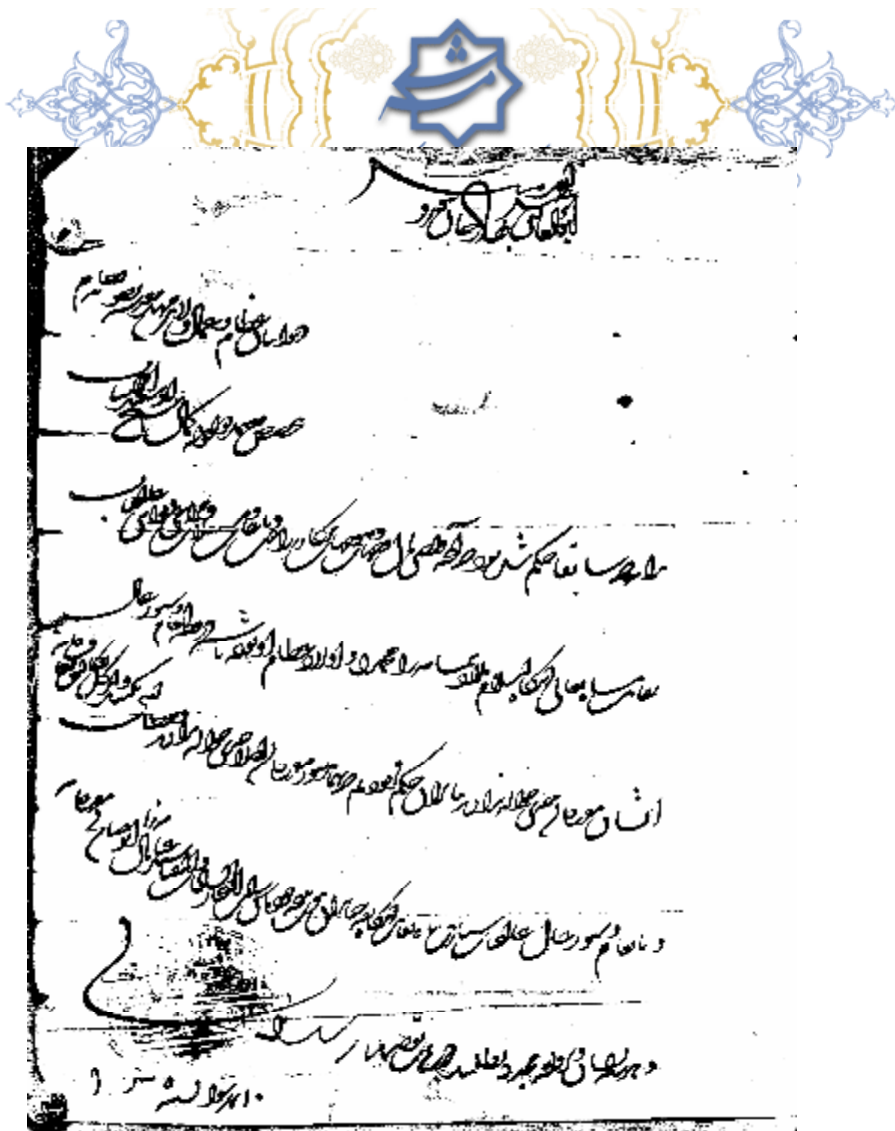
برخلاف محمدجعفر رضوی که تمایل به انزوا و گوشه نشینی داشت پسرش محمد زمان (999 - ق1043) در شمار علمای بزرگ و در صحنه به شمار می‌آمد. مؤلف فوائد الرضویه وی را فردی فقیه، فاضل، متکلم معرفی می‌کند. (قمی، 1337) محمد زمان در مناقشات و درگیریهای کلامی حضور داشت و از طرفداران سرسخت برگزاری نماز جماعت بوده و رساله ای به نام صحیفه الارشاد را در باب نماز جمعه نوشته است. به گفته بحرانی محمد زمان مودی برگزاری نماز جماعت در مشهد بوده و از طرفداران سرسخت اخباریگری و دشمن صوفیان بوده است و مطلبی در رد ابومسلم دارد. (جعفریان، 1379) از علمای دیگر تقی الدین محمد رضوی متولی آستان قدس بود. هر چند وضعیت مذهبی او تحت تأثیر جایگاه سیاسی اش قرار گرفت، اما از نظر عقاید مذهبی مانند میرمحمد زمان قایل به وجوب نماز جمعه بوده است. (مدرس رضوی،



1355، ص 292) مقبره وی در گذشته ها در محله نوغان مشهد مورد زیارت مردم بوده است. علاوه بر اینها از دو نفر به نامهای محمد تقی رضوی در اواخر این دوره یاد می شود که محل رجوع مردم و توجه پادشاهان بوده اند. یکی از آنها میر محمد تقی رضوی مشهور به میرخدایی است که علت نامیده شدن وی به میرخدایی به خاطر پرهیزگاری و دوری از خلق بوده است و خصوصاً در سفر شاه سلطان حسین به سال 1118 از رفتن پیش شاه استنکاف کرده است. دیگری محمد تقی رضوی معروف به میر شاهی است که مشهور است وی دعوت شاه سلیمان را پذیرفته و به این نام معروف شده و مشرب وی متمایل به تصوف بوده است. قبر میرخدایی در قبرستان قتلگاه مشهد بوده است (مدرس رضوی، 1355، ص 382). غیاث الدین محمد رضوی پیش نماز و داماد محمد زمان رضوی به گفته مؤلف قصص خاقانی شصت جلد کتاب از جمله نوراللهویه در فقه به عربی و شرح صحیفه سجادیه به فارسی داشته و فرزندش میرزا مهدی نیز تألیفاتی از جمله رساله اعتقاد در معرفه الله، حاشیه بر معالم اصول نگاشته است (شاملو، 1374)

(سند شماره 4)





در بررسی کلی وجود مشارب متفاوت فکری در میان سادات رضوی این دوره جالب به نظر می رسد. از یک طرف افراد منتفذ مذهبی سرمایه دار که حضور پررنگی در جامعه دارند به همراه علمایی که دارای مناصب مذهبی مانند امام جماعت، پیش نمازی و مدرسی هستند و یا علمایی که گوشه نشینی را برهر فعالیت دیگری ترجیح داده اند که این امر تنوع فکری و تفاوت بین سادات رضوی این دوره را نشان می دهد.

ارتباط بین جایگاه سیاسی با قدرت گیری سادات رضوی

قدرت گیری سادات رضوی چنانچه ذکر گردید از زمان ورود آنها به مشهد بود. آنها توانستند در زمان تیموریان منصب نقابت سادات را به همراه سادات موسوی به طور مشترک در اختیار بگیرند. بررسی وضعیت سادات در این دوره متأثر از سیستم حکومت صفویه، چگونگی تسلط آنان بر خراسان و نقش سادات رضوی در آستان قدس بوده است که می توان به سه دوره تقسیم نمود. دوره اول از ابتدای صفویه تا اوایل زمان شاه عباس (1007-907)، دوره دوم تا اواسط حکومت شاه سلیمان (1100-1007) و دوره سوم تا انتهای صفویه (1100-1148) می باشد.

از مشخصات کلی دوره اول می توان به نامنی ایالت خراسان، عدم تسلط کامل حکومت مرکزی، تصرف مشهد توسط ازبکان (شیبک خان 915- عبدالله خان 935 - عبدالؤمن خان 998) اشاره نمود. در این



دوره حضور چندانی از این سادات در جامعه آن زمان دیده نمی‌شود و تنها در چند مورد به عنوان بزرگان جامعه پا در میانی برای کاری نموده و یا مورد تفقد قرار گرفته‌اند. به طور نمونه در حمله شیبک خان ازبک به مشهد در سال 915، محمد بن غیاث الدین بن شمس الدین رضوی که بزرگ نقباء مشهد بود به همراه سایر سادات و کارکنان حرم به استقبال او رفته و شهر را از قتل و غارت نجات دادند.¹⁴ در فرمانی که در سال 932 در حمله عبیدالله خان ازبک برای سادات و نقبای مشهد صادر شده، از وی نیز نام برده و تخفیف مالیاتی به او داده شده است (مدرس رضوی، 1355، ص 65-67) (سند شماره 2). فرزندش میرزا ابوطالب رضوی و نوه اش میرزا ابوالقاسم از نظر مالی و نفوذ اجتماعی جایگاه مناسبی داشته‌اند. زمینه‌های گسترش قدرت سادات رضوی از زمان شاه طهماسب اول فراهم شد. زمانی که میرزا ابوالقاسم رضوی با زوجه مطلقه القاص میرزا ازدواج و سنگ بنای ارتباط با دربار را در سادات رضوی بنا نهاد، این ارتباطات به تدریج زیاد شده و در سایر زمینه‌ها نیز گسترده شد. ازدواج میرزا محسن رضوی و میرزا ابوصالح صدر با دربار نیز بر استحکام این روابط افزود. اعتقاد سلاطین صفوی به استفاده از علماء مذهبی و یا سادات، این گروه را به عنوان نمایندگان حکومت در مشهد مطرح نمود و در یک دوره آن چنان نفوذی در مشهد و حتی ایران به دست آوردند که نظیر آن بعدها تکرار نگردید. خصوصاً این امر زمانی بیشتر نمایان گردید که اکثر خانواده‌های اولادی سادات رضوی بطور همزمان چند شغل را در مشهد و ایران بر عهده داشتند و بیشتر مناصب به صورت خانوادگی در میان آنان منتقل می‌شد. منصب صدر مهمترین پست حکومتی سادات رضوی در دوره صفویه می‌باشد. میرزا ابوطالب رضوی فرزند محمد باقر رضوی توانست در مدت 21 سال این منصب را در اختیار داشته باشد (حسینی خاتون آبادی، 1352) که با توجه به شرح وظائف صدر خاصه قدرت زیادی در نظارت بر موقوفات و... دارا بود (میرزا رفیعا، 1385) طولانی بودن مدت صدارت وی نیز دال بر جایگاه محکم در دربار صفویه بوده و تا هنگام مرگ در سال 1099 آن را در اختیار داشت (فلور، 1381). همزمان با میرزا ابوطالب، میرزا ابو صالح رضوی فرزند میرزا محسن رضوی نیز به صدارت عامه انتخاب گردید¹⁵ و سادات رضوی در طی حدود دو دهه صدور صفوی را در اختیار داشتند که در نوع خود جالب توجه می‌باشد

در کنار این منصب رسمی سادات رضوی همواره مورد اعتماد شاهان صفوی بوده و طرف مشورت آن‌ها در امور مختلف قرار می‌گرفته‌اند. میرزا الخ رضوی از طرف شاه عباس اول مامور تعمیر بنای خواجه ربیع

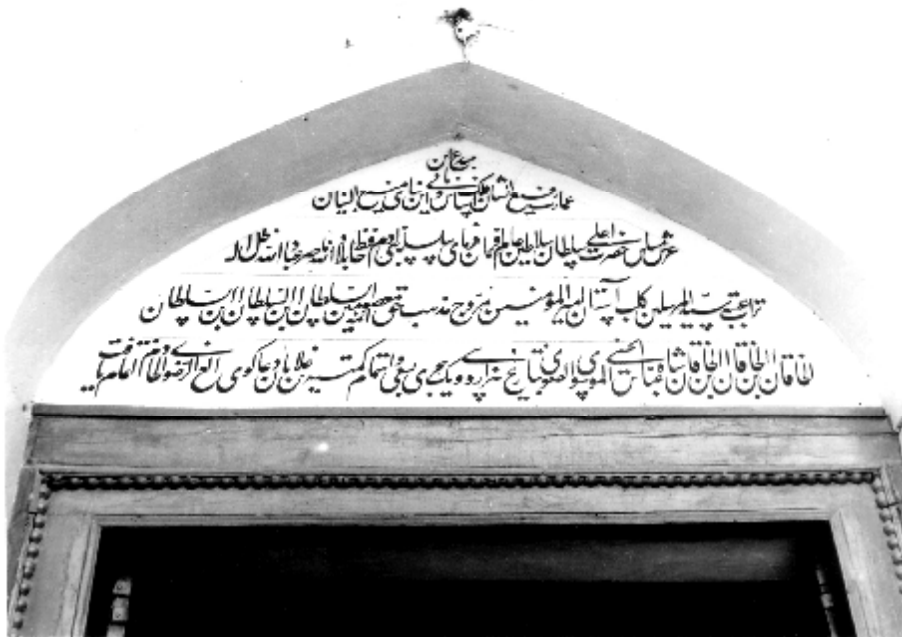
¹⁴ نقبای روضه مطهر و سادات و خدام علم سبزی مهیا ساخته همچو علم اخضر اهل بیت، با عصا و شمشیر غلاف او در پولاد گرفته و هیئت و صنعت به غایت نفیس مصنوع ساخته و می‌نمودند... که سالهاست که از نفایس مخزونات روضه مقدسه است و دیگر اساس پادشاهان پیشکش آوردند و در عرصه و استقبال و احترام نمودند. (خنجی، 1355، ص 314).

¹⁵ میرزا ابو صالح رضوی فرزند میرزا محسن متولی از بزرگان و علمای خراسان بود. مادرش فخرالنساء بیگم دختر شاه عباس بود. وی مدرسه نواب را به سال 1087 ساخته و مصلی مشهد را در بیرون از شهر بنا کرد. وی منصب تولیت شرعی حضرت عبدالعظیم را نیز بر عهده داشت. (حسینی خاتون آبادی، 1352، ص 536)



شده¹⁶ و در زمانی که الماس معروف دکنی فروخته شد، بر هزیننه کرد این پول در حرم مطهر نظارت داشت¹⁷ و متولی موقوفه چشمه گلسب از طرف شاه عباس در سال 1017 شد. (مدرس رضوی، 1355، ص 250). پسرش میرزا محسن رضوی نیز با در بار ارتباط داشت (مدرس رضوی، 1378، ص 249) و وقفنامه معروفش به مهر شاه عباس دوم ممهور شده است (حسن آبادی، 1388).

سند شماره 3



ارتباط بین تمکن مالی با قدرت گیری سادات رضوی

در مورد وضعیت مالی سادات رضوی در این دوره اطلاعات زیادی وجود ندارد اما قطعاً آن گروه از سادات که دارای مشاغل حکومتی و ارتباط سیاسی بوده اند از تمکن مالی برخوردار بوده اند و طبقه سادات رضوی از وضعیت مطلوب مالی برخوردار بوده است. برخی از آنان نیز از آستان قدس کمک های مالی دریافت می کرده اند.¹⁸ در فرمان شیبیک خان به سال 932 برای میرزا محمد معافیت مالیاتی در نظر گرفته شده که

¹⁶ متن کتیبه که در گذشته بر سر در خواجه ربیع نصب بوده است :

" بانی این عمارت رفیع الشان فلک اساس و این بنای منبع البنیان عرش مساس اعلیحضرت سلطان سلاطین عالم فرمان فرمای بنی آدم، حافظ بلاد الله و ناصر عبادالله، الله تواب عتبه سید المرسلین و کلب آستان امیرالمؤمنین مروج مذهب حق ائمه المعصومین السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان، شاه عباس الحسینی الموسوی الصفوی، تاریخ هزارو سی و یک، بسعی کمترین غلامان دعاگو الغ رضوی الخادم اتمام یافت."

¹⁷ سند شماره 53714/1 مدیریت امور اسناد و مطبوعات

¹⁸ این کمک ها به سادات در دوره صفویه در ذیل اسناد سادات می آمده است. سند شماره 31839 و 31840



مشخص می شود وی در زمره متمکین بوده است (قمی، 1359، ص 169). مؤلف خلاصه التواریخ در این مورد می آورد: «میرزا ابوالقاسم رضوی به کثرت ملک از همگان ممتاز بود» (قمی، 1359، ص 418) یا اسکندر بیگ آورده: «از زمره آن طبقه عالی مقدار میرزا ابوطالب رضوی و ولد ارجمند میرزا ابوالقاسم بغایت بزرگ منش و عالی شاهان و به کثرت مال و منال و رقبات و ضیاع و صنایع مرغوب ممتاز» (ترکمان، 1377). میرزا ابوطالب رضوی، میرزا ابراهیم رضوی و میرزا محسن رضوی هر یک دارای اموال بسیاری بودند که آن ها را وقف سادات رضوی نمودند (حسن آبادی، 1388، ص 219-283) همچنین برخی از این خانواده ها دارای سیورغالاتی بودند که برای تامین امرار معاش خود از آن استفاده می کردند (سمسار، 1347) (سند شماره 5)

ارتباط بین آستان قدس با قدرت گیری سادات رضوی

بررسی جایگاه سادات رضوی در آستان قدس از اهمیت زیادی برخوردار می باشد به طوری که جایگاه آنان را در مشهد جدا از این امر نمی توان بررسی نمود. دوره صفویه، زمان شکل گیری و گسترش تشکیلات اداری آستان قدس بوده است (حسن آبادی، 1382) و سادات رضوی بسیاری از مشاغل را به طور موروثی از دوره صفویه تا انتهای قاجاریه بر عهده داشته اند. همزمان با به حکومت رسیدن شاه عباس و توجه وی به امر وقف، موقوفات زیادی بر آستانه وقف شد (حسن آبادی، 1387). سادات رضوی در این دوره مشاغلی مانند **تولی**، نظارت، سرکشیک، خادمباشی و **ماغالی مانند خادمی، فراشی و ...** را در آستانه به عهده داشته اند (حسن آبادی، 1385) که به خاطر اهمیت سیاسی اجتماعی به شغل تولیت در این مقاله اندکی پرداخته خواهد شد.

منصب تولیت آستانه در دوره صفویه به دلایل ذیل بسیار مهم بوده و از پست حاکم خراسان نیز مهمتر بوده است:

- 1- داشتن قدرت مذهبی: با توجه به در اختیار داشتن اداره حرم مطهر؛
- 2- داشتن قدرت مالی: به دلیل در اختیار داشتن املاک و موقوفات؛
- 3- داشتن قدرت سیاسی: در برخی موارد وظائفی بر عهده تولیت بود که جایگاه آنها را به مراتب بالاتر از حاکم قرار می دهد. وجود شاه به عنوان متولی آستان قدس و نیابت مستقیم افرادی که از جانب او به عنوان تولیت عهده دار امور بودند قدرت زیادی به متولیان می داد. آستان قدس در دوره صفویه مرکزیت سیاسی داشته و به علت وجود متولیان مقتدر، نقطه ثقل خراسان محسوب می شد، بدانگونه که حقوق تفنگچیان منطقه را آستان قدس پرداخت می نمود. این امر اصطحاکاک زیادی را بین حاکم و متولی به وجود آورده بود. اکثر متولیان آستان قدس در دوره دوم از میان سادات رضوی مشهدانتخاب شدند و بین چند

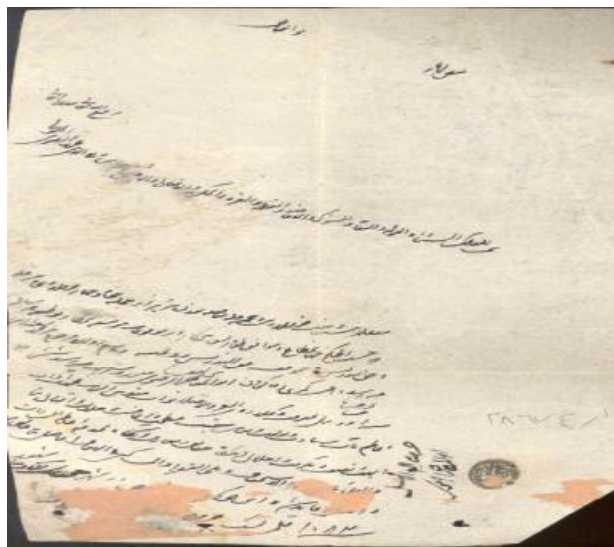


خانواده سادات، تولیت دست به دست می‌شد. نکته اینکه تمام این خانواده‌ها با دربار ارتباط نزدیکی داشته و در عین حال از وجهه مذهبی و مشروعیت دینی و نفوذ مالی نیز برخوردار بودند.

مشخصات متولیان سادات رضوی

1- **میرزا محسن رضوی**: فرزند میرزا الغ رضوی از جمله علما و رجال بزرگ سادات رضوی و افتخار دامادی شاه عباس را داشت. وی با فخرالنساء بیگم دختر شاه ازدواج نمود (استرآبادی، 1366) و به دلیل این خویشاوندی نزدیک با حکومت، در زمان تولیت خود نفر اول در مشهد محسوب می‌شد. وی احتمالاً بین سالهای (1026 - 1031) (اعتماد السلطنه، 1362) و (1042 - 1055)¹⁹ متولی آستان قدس بوده است. وی اولین سیورغالات سادات رضوی را دریافت نمود که بعدها به طور ارثی در خانواده اش باقی ماند. میرزا ابوصالح رضوی صدر عامه فرزند وی بود.

2- **میرزا ابوطالب رضوی**: فرزند ابوالقاسم رضوی است که با زوجه مطلقه القاص میرزا ازدواج کرد. به نظر می‌رسد این ازدواج در قدرتگیری و نفوذ وی بی‌تأثیر نبوده است. بین سالهای 1031 - 1035 متولی آستان قدس و ملازم رکاب شاه بوده است. (حسینی عاملی قزوینی، 1383)
(سند شماره 4)



3- **میرزا محمد باقر رضوی** (1074 - 1055) (ترکمان، ص 1637) فرزند تقی الدین محمد رضوی مدتی شیخ الاسلامی قزوین را بر عهده داشت و حدود 19 سال تولیت آستانه را تا هنگام مرگ در اختیار داشت (شاملو، 1374).

¹⁹ سند 32653/2 مدیریت امور اسناد و مطبوعات.



4- **میرزا بدیع رضوی** : فرزند میرزا ابوطالب رضوی در شمار بزرگان عصر خود بود و در ضمن تولیت، منصب کلانتر²⁰ را نیز بر عهده داشت و ضامن مدنی موضوع کتاب تحفه خود را به او هدیه کرده است²¹

5- **تقی الدین محمد رضوی** : فرزند محمد باقر رضوی از رجال بزرگ سادات در دیانت و سیاست بود. از نظر عقاید مذهبی مانند میرمحمدزمان قائل به وجوب نماز جمعه بوده است بین سالهای (1078-1093) متولی آستان قدس رضوی بود²²

6- **میرزا ابراهیم رضوی** : نوه میرزا بدیع رضوی بین سالهای (1094 - 1100) متولی آستان قدس بود و در سال 1100 در حرم مطهر به ضرب چاقو کشته شد (مدرس رضوی، 1355، ص 120)

7- **شمس الدین محمد رضوی (1135)**

8- **محمد تقی رضوی فرزند شمس الدین محمد رضوی (1143 - 1146)**²³

بعد از کشته شدن میرزا ابراهیم رضوی آخرین فرد مقتدر سادات رضوی از بین رفت و عملاً قدرت از میات خانواده سادات رضوی بیرون آمد. بررسی جایگاه سادات بین سالهای 1100-1148 نشان می دهد که آنان در این سالها چهره شاخصی در شهر مشهد نداشته و فقط شماری از مشاغل آستانه را در اختیار داشته اند.

نتیجه گیری

بین پیشینه تاریخی با قدرت گیری سادات رضوی ارتباط چندانی وجود ندارد زیرا سایر سادات از آن ها زودتر وارد مشهد شده و مشاغل کلیدی را در اختیار داشتند و باید قدرت گیری را در سایر عوامل جستجو نمود. سادات رضوی از علمای بزرگی در این دوره برخوردار بودند و با توجه به ماهیت مذهبی حکومت صفویه که از مذهب به عنوان ابزار استفاده می نمود این سادات از جایگاه ویژه ای برخوردار بودند. همچنین آنان از همان آغاز در سایه برقراری ارتباطات سیاسی با حکومت های وقت ضمن محکم کردن جایگاه سیاسی خود از نفوذ زیادی برخوردار شدند. قابل ذکر است که ثروت از عوامل نفوذ سادات در جامعه آن روزگار بوده اما

²⁰ منصب کلانتر در دوره صفویه از مقامات مهم شهری محسوب می شد که حالت گزینش داشت. کلانتر را شاه منصوب می کرد و به علت نظارت بر کارکرد اصناف اهمیت زیادی داشت. (فلور، 1381، ص 81)

²¹ قمی می آورد : محمد بدیع بن ابوطالب میری بود صاحب ثروت و شهادت و رفعت و دیانت... من هدیه کردم به او کتاب حقوق و مواریث. تألیف عزالدین محمد بن تاج الدین فقیه حسینی، و این محمد بدیع والی امر بود در مشهدمقدم و بر او بود رجوع اعیان وامجاد و زوار و قصادبر او بود و مرجع اهل بلادبود. (قمی، 1372، ج2، ص 624)

²² خاتون آبادی در مورد وی می آورد میرزا شاه تقی متولی مشهد مقدس رضوی در هزار و نود و سه یا هزار و نود و چهار فوت کرد. مردی خوش اخلاق، حق گو، حق شنو و با انصاف بود و به غیر از قبول تولیت عیبی نداشت. (حسینی خاتون آبادی، 1352، ص 577)

²³ برای اطلاع بیشتر در مورد متولیان آستان قدس نگاه کنید به متولیان آستان قدس در دوره صفویه و افشاریه (دفتر اسناد، جلد 2 و 3، 1385، ص 73-143)



اهمیت آن نسبت به سایر عوامل کمتر بوده است. ارتباط بین آستان قدس با قدرت گیری سادات رضوی ارتباط مستقیمی بوده که قطعاً بیشترین تاثیر را در اعتبار بخشی به آنها نه تنها در دوره صفویه بلکه در دوره های تاریخی بعدتر داشته است. در واقع قدرت این سادات در آستان قدس به تنهایی برای آنها سه امتیاز یعنی قدرت سیاسی، اقتصادی و مالی را به همراه داشته و به آنها امکان داده تا به عنوان یک طبقه شاخص خود را در مشهد مطرح نمایند.

در مجموع سادات رضوی در دوره صفویه از اهمیت زیادی برخوردار بودند. آنها توانستند در طی یک قرن نفوذ خود را در بالاترین حد ممکن در مشهد رسانده و حفظ نمایند و با در اختیار گرفتن مناصب متفاوت مانند صدارت، تولیت، نظارت آستان قدس، پیش نمازی، امام جماعت و... آن را تقویت نمایند. در کنار این عوامل، خویشاوندی سادات رضوی با شاهان صفوی کامل کننده اعتبار آنها بود و انتساب به امام رضا (ع) باعث شد تا این جایگاه از فراز و نشیب کمتری برخوردار شود. با توجه به سابقه ورود آنان به مشهد و تعدادشان که نسبت به سایر سادات کمتر بوده است چنین شهرتی مدیون زیرکی و ذکاوت آنان بوده است. چگونگی برقراری ارتباط با حکام مختلف از ازبکان گرفته تا سلاطین صفوی، گرفتن امتیازات مالی و در عین حال کثرت مشارب مختلف فکری در بین آنها موید همین نکته می باشد. نفوذ در میان مردم به همراه تمکن مالی، جایگاه مذهبی و استفاده از ارتباطات سیاسی عواملی می باشد که موفقیت آنها را در طول یک سده تضمین کرده بود.

منابع و مأخذ

- ابن طباطبای علوی اصفهانی، ابراهیم بن ناصر (1372). **مهاجران آل ابوطالب**. ترجمه محمد رضا سهیلی. مشهد: آستان قدس رضوی، ص 48.
- استرآبادی، حسین (1366). **از شیخ صفی تا شاه صفی**. به اهتمام دکتر حسن اشراقی. تهران: علمی، ص 433.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (1362). **مطلع الشمس**. تهران: پیشگام.
- امامت کاشانی، فخرالدین (1343). **وسیله النجاه در فضائل سادات آل محمد**. تهران: [بی نا].
- باقریان موحد، علی (1379). **کرامات سادات**. قم: فکرآوران.
- بانپور، محمد (1380). **سلاله کوثر**. مشهد: انتشارات خامس آل عبا.
- ترکمان، اسکندربیک (1377). **عالم آرای عباسی**. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- جعفریان، رسول (1375). **تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم**. قم: انصاریان.
- جعفریان، رسول (1379). **صفویه در عرصه دین و فرهنگ و سیاست**. تهران: حوزه.



حسن آبادی، ابوالفضل (1382). "تاریخچه تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه". کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا) (مرداد و شهریور 82)، ص 35-44.

حسن آبادی، ابوالفضل (1385). "متولیان آستان قدس رضوی از دوره صفویه تا افشاریه". دفتر اسناد (جلد دوم و سوم). مشهد: سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ص 113.

حسن آبادی، ابوالفضل (1385). "نگاهی کوتاه به تاریخچه تشکیلات اداری اماکن متبرکه". مشکوه، شماره 90، ص 101-119.

حسن آبادی، ابوالفضل (1388). سادات رضوی در مشهد از آغاز تا پایان قاجاریه. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ص 245-252.

حسینی خاتون آبادی، عبدالحسین (1352). وقایع السنین و الاعوام. تهران: اسلامیه.

حسینی عاملی قزوینی، محمدشفیع بن بهاء الدین (1383). محافل المؤمنین. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.

خلخالی، محمدباقر. جنات الثمانیه. مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس، نسخه فصل شماره 4100، ص 85.

خنجی، فضل بن روزبهان (1355). مهمانخانه بخارا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

خواندمیر، غیاث الدیم بن همام الدین (1353). تاریخ حبیب السیر فی الاخبار افراد بشر. تهران: کتابفروشی خیام.

رشیدوو، پی نن (1368). سقوط بغداد و حکمروائی مغولان در بغداد. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

سمسار، محمدحسن (1347). "فرمان نویسی در دوره صفوی". مجله بررسی های تاریخی، 3، 1.

سیدی، مهدی (1380). "گنبدخستی". فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال نهم (پاییز و زمستان 1380)، ص 33-38.

شاملو، ولی قلی بن داودقلی (1374). قصص خاقانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

شیخ بهایی، محمد بن حسین. کشکول. قم: شرکت طبع و نشر، [بی تا]

عبدالجلیل قزوینی، عبدالجلیل بن ابوالحسین (1331). النقص: معروف به بعض مثالب النواصب فی نقص "بعض فضائح الروافضی". تهران: [بی نا].

فضل الله همدانی، رشید الدین (1358ق). تاریخ مبارک غازانی. انگلستان: هرتفورد.

فلور، ویلم (1381). نظام قضایی عصر صفویه. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

فلور، ویلم (1381). نظام قضایی وصول. ترجمه حسن زندیه. تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

قمی، احمد بن حسین (1359). خلاصه التواریخ. تهران: دانشگاه تهران.

قمی، حسن بن محمد (1361). تاریخ قم. تهران: توس.

قمی، عباس (1337). فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه. تهران: کتابخانه مرکزی.

قمی، عباس (1372). منتهی الامال. قم: انتشارات هجرت.

گیلانی، احمد بن عبدالرحمن گیلانی (1409ق). سراج الانساب. قم: کتابخانه مرعشی.



- مدرس رضوی، محمدباقر (1355). **شجره طیبه**. تهران: چاپخانه سعیدی.
- مدرس رضوی، محمدتقی (1378). **سالشمار وقایع مشهد در قرنهای پنجم تا سیزدهم**. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- منجم، جلال الدین (1366). **تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال**. تهران: وحید.
- میرزا رفیعا، محمد رفیع بن حسن (1385). **دستورالملک**. به کوشش محمد اسماعیل مارچینکوفسکی. تهران، وزارت امور خارجه.
- میرزا سمیعا، محمدسمیع (1368). **تذکره الملوک**. تهران: امیرکبیر.